



### بوده‌اند؟

این کار بیشتر سرنوشت آدم‌ها را دنبال می‌کند و قصدش این نیست که بخواهد فضا و اتمسفر یک منطقه را به نمایش بگذارد. حتی با اینکه رویدادهایی مثل انقلاب، جنگ و قطننامه، اتفاقات مهمی در کشور ما هستند، بیشتر در خدمت چرخش مسیر شخصیت‌ها قرار می‌گیرند تا اینکه خود اهمیت مجزایی پیدا کنند و قصه ما را بسازند. قصه ما راجع به جغرافیا نیست. قصه ما متعلق به آدم‌هایی است که به هر دلیلی یا خصمانه در مقابل هم قرار می‌گیرند یا عاشقانه یکدیگر را در آغوش می‌کشند. به همین خاطر بیشتر بار قصه روی دوش شخصیت‌هاست تا اتمسفر، فضا و اتفاقات بیرون.

**شما برای این کار بیشتر با بازیگران درجه دو همکاری کردید که البته همگی بازیگران خوبی هم هستند، اما چرا از نام‌های مطرح‌تر استفاده نکردید؟**  
**آن‌ها سرکار بودند یا دستمزدشان زیاد بود؟**

به نظر من بازیگران این کار همه درجه یک هستند. من متوجه نمی‌شوم که این رتبه‌بندی را چه کسی انجام داده یا براساس چه دیدگاهی صورت گرفته‌است. اگر منظور ستارگان سینما هستند که آن‌ها اصلاً در سینما کار می‌کنند. در تلویزیون هم من درجه یک‌تر از آقای بهنام تشکر و هدایت هاشمی ندیده‌ام. دیگر بازیگران کار هم از همین دسته‌اند؛ مثل آقای امیررضا دلاوری و آقای علیرضا کمالی و دیگران. اگر منظور سلبریتی‌هایی هستند که گاهی ممکن است به واسطه اسمشان و یا به واسطه حضور پررنگشان در یک سری کارهای شاخص‌تر برای تماشای جذاب‌تر جلوه کنند، باید بگویم راهبرد ما در این کار اصلاً این نبوده که به سراغ این اشخاص برویم. اتفاقاً خوشبختانه در این قصه کار به شکلی پیش

آن‌ها تک بعدی نیستند و هر کدام رنگ خودشان را دارند و این رنگارنگ بودن آدم‌ها در تقابل با یکدیگر فضای متنوعی را به وجود آورد که باعث شد کاراکترها و بازیگرانشان در ذهن‌ها بمانند و بتوانند شخصیتی را به تماشای‌ها نمایش دهند که ممکن است در آینده و طی سالیان سال برای آن‌ها خاطره انگیز باشد.

**اصلاً می‌شود گفت که این سریال، سریال زنازه‌ای محسوب می‌شود؟**

بله به جز چهار، پنج قسمت اول بقیه ماجرا حول محور اتفاقاتی رقم خورد که زن‌ها باعثش بودند. عنصر عشق که وارث نمایانگر آن است، باعث شد تا این تضاد به وجود آید. به همان اندازه که بسیاری از مردها در این قصه تاثیرگذارند، زن‌ها هم موثر هستند، ولی اینطور نیست که بگوییم کار صرفاً زنازه است. ما در قصه شخصیت‌های به یادماندنی مردی هم داریم که خیلی در روند داستان اثرگذار بوده‌اند و به یادماندنی شده‌اند؛ از یار محمد، تراب، یوسف و جاوید گرفته تا آدم‌های جزئی‌تری مثل صادق که با یک پا خرج یک خانواده را می‌داد. ولی به نظر من نویسنده با استفاده از رمانی که در دست داشته توانسته این تقسیم‌بندی را درست انجام دهد و این سهم را بین مردها و زن‌های قصه تقسیم کند. اسم این سریال در ابتدا «بهترین سال‌های زندگی ما» بود که ما به دلیل ایجاد جذابیت بیشتر و تک‌سیلابی بودن «وارش»، آن را انتخاب کردیم.

**یک نکته درباره سریال «وارش» این است که در آن، شهریه بیشتر از اینکه بخواهد تبدیل به کاراکتر بشود یک موقعیت است و شما در طول روایت تاکید روی موقعیت جغرافیایی نکرده‌اید. این کار به دلیل ترس از حاشیه‌های احتمالی بوده یا اینکه آدم‌های داستان برای شما مهم‌تر**



به جز چهار، پنج قسمت اول بقیه ماجرا حول محور اتفاقاتی رقم خورد که زن‌ها باعثش بودند. عنصر عشق که وارث نمایانگر آن است، باعث شد تا این تضاد به وجود آید. به همان اندازه که بسیاری از مردها در این قصه تاثیرگذارند، زن‌ها هم موثر هستند، ولی اینطور نیست که بگوییم کار صرفاً زنازه است

رفت که به سراغ هر شخصی رفتیم توانست با ما همکاری کند، چون بیشتر کسانی که در این کار بودند، جزو انتخاب‌های اول ما به حساب می‌آیند.

**رحیم نوروزی یک مجموعه به یادماندنی یعنی «پس از باران» را در کارنامه دارد که به خاطر اصالت شمالی‌اش در یادها ماند. از انتخاب دوباره او نترسیدید؟ این کار ریسک نبود؟**

به نظر من اگر واقعا هم ریسک بوده، الان جواب داده‌است. من ذهنیت زیادی نسبت به آن سریال نداشتم و کار را کامل ندیدم. تا همین اواخر هم خیلی متوجه نبودم که کاراکتر رحیم نوروزی شبیه یکی از کاراکترهای این سریال است، ولی الان در میان بازخوردها معدود نظراتی را مبنی بر این قضیه می‌بینم و بقیه این نظر را نداشتمند. این انتخاب حداقل برای من که نسبت به پیشینه آن ناآگاه بودم، ریسک به حساب نمی‌آمد و اصلاً شاید چون ناآگاه بودم دست به این انتخاب زدم.

برای نقش وارث گزینش‌های چهره